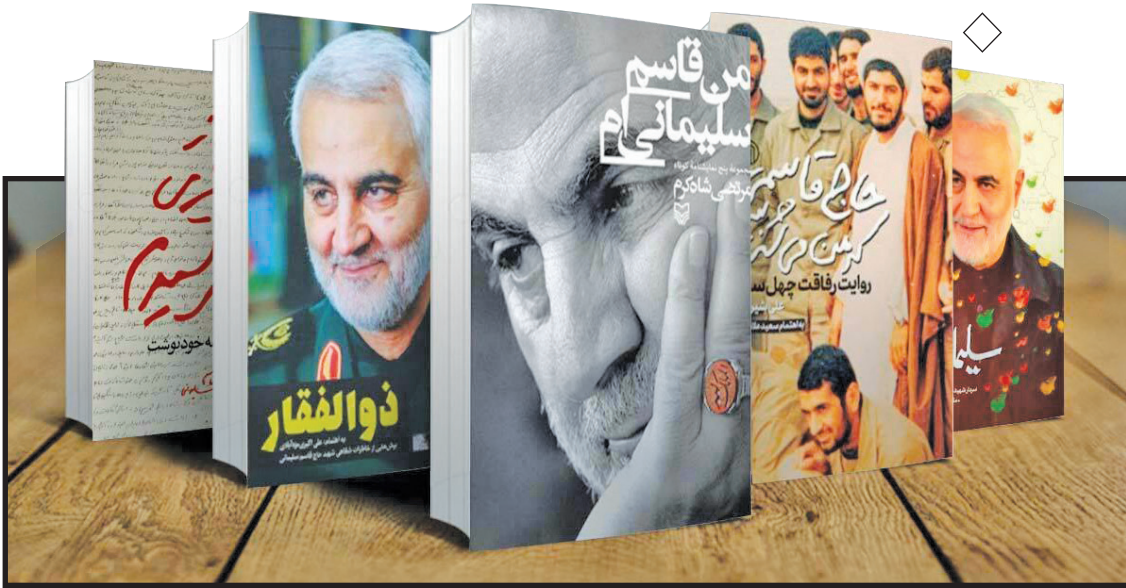


کتاب



حاج قاسم و هزارتوی کتاب هایش

یکی مرد جنگی به از صد هزار

محمد علی یزدانپار
دبیر گروه کتاب



سلیمانی منتشر کرده است. نوشتن از شهدا و به شکل خاص این شهید، هم خوب است و هم لازم. اما قسمت دوم این بریده حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. هفتصد عنوان منتشر شده و فقط چند تک اثر خوب و جامع؟

است. این حجم از کتاب‌سازی به بهانه زنده نگاه داشتن یاد شهید سلیمانی تنها کاری که نمی‌کند زنده نگاه داشتن یاد اوست.

حرف آخر

نکته مثبت اینجاست که واقعاً چند اثر خوب و استاندارد درباره شهید سلیمانی تألیف شده‌اند، راه حل هم اینجاست. کاستن از کمیت و تمرکز منابع بر آفرینش آثار با کیفیت. من ترجیح می‌دهم فقط ده عنوان کتاب از قاسم سلیمانی منتشر شده باشد که تنه به تنه بهترین سرگذشت‌نامه‌های جهانی بزند، تا هفتصد تایی که ششصد و نود تایشان حرفی برای گفتن ندارند و اگر این کار را بکنیم تازه می‌رسیم به آنجا که آثار خوب و گزیده، چراغ راه آفرینش سینمایی و تصویری از شهید سلیمانی خواهند شد. والسلام!

منتشر شده، آثار متقن و جامع و بدیع در همه فرم‌ها و گونه‌ها انگشت شمار است. «مطلبی که مطالعه کردید دو بخش کوتاه از ابتدای مقدمه‌ای است که بنیاد شهید سلیمانی در کتابچه معرفی آثار مکتوب در مورد شهید

ترسیم کرده‌اند در هموارسازی این مسیر غیرقابل انکار است. سلیمانی مردی است از ایران و متعلق به همه ایرانیان.

سرمایه‌ات را حفظ کن!

من یک پسر خاله دارم که از کودکی اهل هیأت هم بود و این ماجرا برایش چنان قطعی شده بود که یک بار حتی حدیث امام صادق (ع) که «رحمت بر شیعیانی با شادی ما شاد شوند و با غم ما غمگین» را به شکل «رحمت بر شیعیانی که چه در شادی ما و چه در غم ما اشک بریزند» به زبان آورده بود. شده حکایت ما و برخی از دوستان. برای این دوستان که همگی مثل پسر خاله من نیت بسیار خوبی هم دارند، دیده شدن حد اکثری تصویر حاج قاسم به هر بهانه‌ای امری است بسیار مثبت، حال آنکه استفاده بیش از حد از هر قهرمانی، قدرت و نفوذ شما را کم می‌دهد. در این مورد باید خود شهید سلیمانی را الگو کرد که در بسیاری از مباحث، اتفاقات و وقایع نه دیده می‌شد و نه حضور داشت، اما در آن چند موردی که به دوشش بود، جوری حضور داشت که انگار ابرقهرمانی غیرزمینی کار را به سرانجام رسانده



سردار شهید قاسم سلیمانی از معدود چهره‌های معاصر سیاسی و نظامی بود که واقعاً از طبقه بندی‌های عرفی، جناحی، سیاسی و اجتماعی فراتر رفته بود. او با فهم و وظایفش، با تمرکز روی مسئولیت‌هایش و با اعتقاد به اینکه هر کاری بکند، برای تمام ایرانیان با هر اعتقاد و مسلکی است راه خود را به قلب مردم باز کرده بود.

«از ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ تا مهرماه ۱۴۰۲ بیش از هفتصد عنوان کتاب از «شهید حاج قاسم سلیمانی» یا درباره ایشان در کشور چاپ و منتشر شده است... محتوای کتاب‌ها حکایت از آن دارد که با وجود حجم انبوه کتاب‌های

خاطره، خاطره، باز هم خاطره!

سردار سلیمانی معروف بود به حضور در سایه، نه زیاد دیده می‌شد، نه علاقه داشت که در متن امور باشد، نه اهل سیرو سیاحت بود و خودش بارها گفته بود که مسئولیت‌هایش برای او وقت هیچ چیز باقی نگذاشته بود. بر اساس همین شواهد اصل انتشار این حجم از خاطرات محل اشکال و سؤال است. واقعاً مگر یکی از بزرگترین فرماندهان نظامی تاریخ ایران نوین چقدر وقت برای صحبت با دوست و رفیق و آشنا داشته است که این همه کتاب در مورد خاطرات او، یا خاطرات در کنار او منتشر شده است. مسأله به همین جا هم ختم نمی‌شود، کمی که در کتاب‌های منتشر شده خوب دقت کنید به دو نکته می‌رسید، اولی این است که عمده این کتاب‌ها شباهت‌های بسیار جدی به هم دارند، انگار همه را از روی یک کتاب واحد نوشته باشند. دومی هم برخی اختلافات جدی و غیرقابل گذشت در متون و خاطرات منتسب به حاج قاسم است.

مردی از خاک ایران، برای ایران

پربراه نیست اگر بگوییم سردار شهید قاسم سلیمانی از معدود چهره‌های معاصر سیاسی و نظامی بود که واقعاً از طبقه بندی‌های عرفی، جناحی، سیاسی و اجتماعی فراتر رفته بود. او با فهم و وظایفش، با تمرکز روی مسئولیت‌هایش و با اعتقاد به اینکه هر کاری بکند، برای تمام ایرانیان با هر اعتقاد و مسلکی است راه خود را به قلب مردم باز کرده بود. در این میان مباران آثار یکدست، سری دوزی شده و غیرهنرمندانه یکی از آفات است که گریبانگیر تصویر اجتماعی شهید سلیمانی شده است. به قول معروف، بدترین تخریب، تبلیغ بد است. من از نیت افراد خبر ندارم اما به نظر می‌رسد عده‌ای مشتاق ترسیم چهره‌های جناحی و سوگیر از شهید سلیمانی هستند. در این میان نقش آثاری که از او تصویری یک بعدی، خشک و غیرواقعی

یادداشت دبیر

این تخفیف را یا بدهید، یا ندهید!

در مذمت ادای تخفیف دادن!

محمد علی یزدانپار
دبیر گروه کتاب

Mohammadalyazdanyar@gmail.com



آقایی که من باشم و جناب‌هایی که شما باشید طی این سه چهار هفته اخیر حداقل چهار پویش کت و گنده تخفیفی در هر زمینه‌ای برگزار شده است. اول برای بلک فرایدی که خداوکیلی و بدون هیچ قصد و غرضی من اصلاً نمی‌فهمم ما بدون ذره‌ای اتصال فرهنگی و حتی اقتصادی به مفهوم جمعه سیاه چرا باید برگزارش کنیم و تازه همان را هم از محتوا خالی کنیم. دومی جشنواره شب پلدا بود که گذشت و رفت. سومی جشن میلاد مسیح (ع) و سال نوی میلادی است که این یکی را حداقل چون هموطن مسیحی داریم می‌توان کمی درکش کرد. چهارمی هم تخفیف ویژه روز مادر است که وقتی شما این مطلب را می‌خوانید دیگر تمام شده و شما همه به دست بوس مادرهایتان رفته‌اید و الان دیگر کم کم به این فکر می‌کنید که سه چهار هفته دیگر روز پدر است و جوراب خوب کجا دارد! (هارهار!) این شوخی واقعاً از روز پیدایشش بی‌مزه بود!

تخفیف اگر همیشه باشد اسمش دیگر تخفیف نیست، بیشتر خیراز این می‌دهد که یا اجناس قبل از این بی‌خودی گران بوده‌اند، یا اینکه اجناس قبل از شروع تخفیف‌ها گران شده‌اند. البته تلفیقی از هر دو مورد هم صحیح است. حالا چرا این را گفتم؟ چون گویا برخی ناشران گرامی، اساساً روندشان برای تخفیف‌ها همین است. یکی از ناشران عزیز و گرانقدر ادبیات فانتزی دو سه ماه پیش تخفیف ۳۰ الی ۴۰ درصد گذاشته بود و یکی از مجموعه‌های من هایش زیر ۳ میلیون تومان برای خریدار تمام می‌شد که در تخفیفات رگباری این یک ماهه با ۵۰ درصد تخفیف قیمتش یک میلیون تومانی از آن تخفیف قبلی بیشتر برای خریدار آب می‌خورد. خدایی شما به این می‌گویید تخفیف؟ آقاییان و بانوان ناشر، این تخفیف را یا بدهید، یا ندهید! هر دویش هم حق شماست، در اختیار شماست و هیچ کس هم بابت هیچ کدامش نمی‌تواند شما را مؤاخذه کند. فقط شما را به خدا قسم ادای تخفیف دادن را در نیارید، اینجا اسمش بازار فرهنگی است، ما را که دیگر نمی‌توانید... استغفرالله!



تخفیف اگر همیشه باشد اسمش دیگر تخفیف نیست، بیشتر خیراز این می‌دهد که یا اجناس قبل از این بی‌خودی گران بوده‌اند، یا اینکه اجناس قبل از شروع تخفیف‌ها گران شده‌اند. البته تلفیقی از هر دو مورد هم صحیح است

